

د نیم نگاه

دموکرات‌ها در مجلس دوم

امیرحسین حاجیبیان

مجلس اول در پی به توپ بستن مجلس به فرمان محمدعلی‌ شاه در ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ بسته شد. اما با فتح تهران در ۲۴جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ توسط مشروطه‌خواهان محمدعلی شاه مجبور به فرار از ایران شد. فاتحان تهران فرزند خردسال وی سلطان احمدمیرزا را به سلطنت برگزیدند. اما به دلیل صغیر بودن وی، عضد الملک از بزرگان خاندان قاجار را به نیابت سلطنت برگزیدند. انتخابات مجلس دوم آغاز شد و دموکرات‌ها توانستند ۲۸ کرسی نمایندگی مجلس دوم را از آن خود کنند. آنها هرچند حزب اکثریت مجلس نام نگرفتند اما برخی از چهره‌های شاخص دموکرات‌ها وارد مجلس شدند که از آن جمله می‌توان به سیدحسن تقی‌زاده، حسینقلی خان نواب، سلیمان میرزا اسکندری، وحیدالملک و سیدمحمدرضا مساوات اشاره کرد. رهبری شاخه پارلمانی حزب را سیدحسن تقی‌زاده برعهده داشت. مرگ عضدالملک در ۱۳۲۸ ه‍. ق، در ۱۹۱۰م در زمان حیات مجلس دوم، رقابت احزاب را دامن زد. مجلس به دنبال مرگ نایب‌السلطنه بر آن شد جانشینی برای وی انتخاب کند. از سوی دموکرات‌ها میرزاحسن خان مستوفی‌الممالک و از جانب اعتدالیون ناصرالملک برای جانشینی عضدالملک پیشنهاد شدند. سردار اسعد هم به‌صورت مستقل کاندید نیابت سلطنت شد. انتخاب جانشین عضدالملک به ضرر دموکرات‌ها تمام شد. چرا که با حمایت برخی از شاهزادگان متنفذ هوادار اعتدالیون نظیر فرمانروا و عین‌الدوله، ناصرالملک به عنوان نایب سلطنت احمدشاه انتخاب شد. وی که از هواداران اعتدالیون بود با دموکرات‌ها رفتار خشنونت‌آمیزی داشت.

قتل بهبهانی و فرار تقی‌زاده

بین دموکرات‌ها و اعتدالیون درگیری‌های فراوانی در مجلس دوم می‌داد. این درگیری‌ها که از آغاز فتح تهران آغاز شده بود تا آنجا ادامه یافت که سیدعبدالله بهبهانی از علمای بزرگ مشروطه خواه و از هواداران اعتدالیون به قتل رسید. در پی این واقعه شایعه شد که مجاهدین وابسته به دموکرات‌ها عامل این قتل بودند. عده‌ای از علما هم علیه تقی‌زاده که ریاست کمیته پارلمانی دموکرات‌ها را برعهده داشت، نامه‌ای نوشتند. نتیجه این شد که تقی‌زاده از سوی مرحوم آخوند خراسانی به فساد مسلک سیاسی متهم شد. همین محکومیت به فرار لیدر دموکرات‌ها برای دومین مرتبه از خاک ایران انجامید. وی از زمان حکومت پهلوی دیگر به ایران باز نگشت. تقی‌زاده پیش از این نیز در زمان به توپ بستن مجلس به سفارت انگلیس پناهنده شده و در نهایت به لندن گریخته بود. پس از تقی‌زاده، سلیمان میرزا اسکندری رهبری شاخه پارلمانی حزب را برعهده گرفت. اما تصمیم مجلس در ۱۲ صفر ۱۳۲۸، ۲۰ فوریه ۱۹۱۱ مبنی بر گماردن مورگان شوستر آمریکایی به عنوان خزانه‌دار کل که با حمایت مستقیم دموکرات‌ها انجام شد در نهایت به تعطیلی مجلس انجامید. مجلس شوستر را مامور اصلاح امور مالیه ایران کرد. شوستر با نادیده انگاشتن قرارداد ۱۹۰۷ روس – انگلیس که ایران را به دو نیمه تحت نفوذ ایشان درمی آورد، اوضاع ناآرام گذشته را بدتر از پیش کرد. گفته می‌شود وی این کار را با حمایت دموکرات‌ها انجام داده بود.
روس‌ها سپس با دادن اولیتاموم به دولت خوستامان عزل شوستر شدند. آنها تاکید کردند که در غیر این صورت تهران را به اشغال خود درخواهند آورد. مجلس در نتیجه این اولیتاموم تشنجی سخت به خود گرفت. دموکرات‌های به شدت ملی‌گرا در اعتراض با سایر نمایندگان اکثر ائثر آرا و کاملاً مخالفان اولیتاموم به دولت خودشان در تهران را به اشغال خود درخواستند. مخالفت مجلس با درخواست روس‌ها منجر به تعطیلی مجلس در ۳مهر ۱۳۳۰، ۲۴ دسامبر ۱۹۱۱ توسط ناصرالملک شد و شوستر هم از ایران اخراج گردید. انتخابات مجلس هم تا زمانی که وی در راس قدرت بود برگزار نشد. به دنبال تعطیلی مجلس، روس‌های حزب دموکرات به قم تبعید شدند. روزنامه‌های دموکرات‌ها در ایالات به دستور روس‌ها به محاق توقیف رفتند و مدیران آنها به تهران و سایر شهرها تبعید شدند.

اصلاح قانون انتخابات در مجلس دوم

اولین قانون انتخابات نخستین بار در ۲۰رجب ۱۳۲۴ توسط انجمنی منتخب دولت بر مبنای انتخابات طبقاتی تهیه شد. براساس قانون فوق‌الذکر تعداد نمایندگان ۱۶۲ نفر تعیین شد. برخی شروط سخت هم در نظر گرفته شد. از جمله مهم‌ترین شرایط محروم‌شدن متهمین به فساد عقیده از انتخاب بود. سن واجدین شرکت در انتخابات هم ۲۵سال در نظر گرفته شده بود. دومین مرحله اصلاحات در قانون انتخابات پیش از انتخابات مجلس دوم و پس از آنکه دولت مرکزی در ۱۲ جمادی‌الآخر ۱۳۲۷ مصمم گردید مشروطه بنده انجام شد. ۲ برابراس قانون اصلاحی، انتخابات مجلس دو درجه و دو مرحله تعیین شد. از سوی دیگر اتهام به فساد عقیده که از دلایل محرومیت از نمایندگی مجلس بود بدین صورت اصلاح شد افرادی که نزد حاکم شرع ارتدادشان ثابت شده باشد نمی‌توانند کاندید شوند. ۲۰سال هم برای شرکت در انتخابات کفایت می‌کرد. مجلس دوم براساس همین قانون انتخاب شد. نمایندگان مجلس دوم در ۲۹ شوال ۱۳۲۹ قانون انتخابات را مجدداً اصلاح کردند. پیش از انتخابات مجلس دوم، دولت اعلام کرده بود وکلای دوره دوم با حق تعیین قانون انتخابات، وکیل ملی شوند. بر طبق اصلاحیه سوم نمایندگان، قانون انتخابات یک درجه و عمومی شد. گفتنی است اصلاحات صورت گرفته در این قانون با نظر دموکرات‌ها و بر طبق مرامنامه آنها انجام شد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- بهار، ملک‌الشعرا، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ص ۷
۲- انقلاب مشروطیت، از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، فصل پنجم، احزاب سیاسی دوران مشروطیت، اتحادیه، م، ص ۱۳۶
۳- بهار، ملک‌الشعرا، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ص ۱۱

ارتباط با صفحه مشروطه

سایت 100years.ir

پست الکترونیک info@100years.ir

ارسال مقالات article@100years.ir



گزارش سال ۱۳۱۳

حسن مرسل‌وند : در آغاز این سال، گروهی از سران بختیاری و ایل

قشقایی و بویراحمدی و

ممسنی که سال پیش در جریان

دستگیری سردار اسعدبختیاری

دستگیر و در دادگاه نظامی محاکمه

شده بودند، در زندان قصر تهران

اعدام شدند. هر چند که آنان متهم

به توطئه علیه رضاشاه بودند، اما

حقیقت ماجرا این است که رضاشاه

هیچ صاحب نفوذ و سرجنبانی را در

ایران تاب نمی‌آورد و می‌خواست که

خود به تنهایی یکه‌تاز کانون قدرت این

سرزمین کهنسال باشد. این هم از

ویژگی‌های خودکامگان تاریخ ایران

است که به غیر از خود، نمی‌توانند

هیچ صاحب‌نام و مقتدر دیگری را

تحمل کنند. همین کشتن

صاحب‌نفوذان و معتبران محلی به

دست رضاشاه بود که در شهربور

۱۳۲۰، سرزمین ایران را در برابر

نیروهای بیگانه و بی‌هیچ مقاومتی،

تسلیم کرد و شاه با آن زورمندی را

مجبور به فرار بی‌درنگ از کشور نمود! سردار اسعد بختیاری نیز با تخریق آمپول هوا به وسیله پزشک احمدی در زندان قصر از پای درآمد. وی به هنگام مرگ ۵۵ سال داشت و از دوستان و یاران رضاشاه به شمار می‌آمد. در صدر مشروطیت نیز هم خود وی و هم پدرش، منشأ خدمات برجسته‌ای بودند. به همت او و پیرم‌خان همه حملات نظامی دشمنان مشروطه دفع شد و او بود که جلو پیشروی سپاهیان مزدور محمدعلی‌شاه مخلوع را گرفت.

در اردیبهشت‌ماه، علی‌اکبر داور که از وزارت عدلیه به وزارت مالیه رفته بود، کلیه قراردادهای گمرکات ایران را که تا آن روز در کنترات بلژیکیان بود، فسخ کرد و دکتر محمد سجادی نخستین ایرانی مدیرکل گمرکات را به جای ایشان نشاند. در خردهامه‌ام نیز قانون اجازه تأسیس دانشگاه تهران به تصویب مجلس رسید. دکتر عیسی صدیق ماموریت یافت که پس از مطالعات فراوان در دانشگاه‌های غربی، اساس دانشگاه‌تهران را پی‌ریزی

مصمام السلطنه بختیاری

محمدصفا فاضلی: نجفقلی‌خان مصمام السلطنه بختیاری در سال ۱۲۷۱ ه‍. ق در چهارمحال و بختیاری متولد شد. وی به سختی به فارسی سخن می‌گفت. پس از کناره‌گیری سپهدار تنکابنی که به اتهام سازش با محمدعلی میرزا صورت گرفت و با موافقت ناصرالملک، مصصمام السلطنه با‌رای مجلس در مقام رئیس‌الوزاری قرار گرفت و اعضای کابینه خود را از میان جوانان تحصیلکرده برگزید و خود مسئولیت وزارت جنگ را برعهده گرفت. وی سپس جهت مقابله با محمدعلی میرزا و برادرش قوای تازه‌نفسی را تدارک دید. دولت به دنبال پیشرفت‌هایی که توسط مستبدین صورت گرفته بود اعلام کرد هرکس زنده و یا مرده محمدعلی میرزا را به دولت بدهد مبلغ صد هزار تومان جایزه به وی تعلق خواهد گرفت. نجفقلی‌خان سپاهی متشکل از بختیاری‌ها، مجاهدین مشروطه و قزاق‌ها را گرد آورد و به مقابله با سپاه محمدعلی میرزا گسیل داشت. جنگ بین نیروهای دولتی و قوای محمدعلی میرزا درگرفت. پس از ۲۴ ساعت درگیری و نبرد به خاطر ازجان‌گذشگی قوای دولتی نبرد به سود قوای دولتی خاتمه یافت. اقدامات کابینه نجفقلی‌خان موجب شد تا تهدیدهایی که از سوی محمدعلی میرزا و برادرانش وجود داشت، برطرف شود. مورگان شوستر در زمان رئیس‌الوزاری مصصمام السلطنه اقداماتی را همچون وصول مالیات‌های معوقه، اقدام به توقیف و تصرف اموال از جمله اموال دو برادر محمدعلی میرزا (شعاع السلطنه و سالارالدوله) نمود. نماینده روس به وزارت امور خارجه ایران رفته و معتقد بود که کلیه اموال این دو در گرو بانک استقراض روس است و دولت ایران به چه حقی آنها را توقیف نموده است. تقاضای روس‌ها در جلسه هیات وزیران ایران مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت دولت به سفارت روس اطلاع داد که به زودی نسبت به رفع توقیف اموال شعاع السلطنه اقدام خواهد کرد. دولت همچنین تصمیم داشت که مجلس را در جریان این رویداد قرار دهد اما تعدادی از نمایندگان زیربار نرفته و بعضی از وزرا را مقصر این اقدام دانستند. دولت روسیه در همین ایام دست



یکی از مهم‌ترین نهادهای برآمده از جنبش مشروطه قانون اساسی بود که با انگیزه کمک به تحقق یکی از اهداف مهم مشروطه یعنی تبدیل قدرت سیاسی خودکامه به قدرتی مفید به قانون تدوین یافت. می‌توان گفت جز ملاک‌های نظری، قاعده و ملاک خاصی در مورد اینکه چه مطالب و موضوعاتی در قانون اساسی گنجاننده شود وجود ندارد و ملت‌ها براساس شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه‌شان موضوعاتی را در قانون اساسی خود می‌گنجانند، به همین دلیل قانون اساسی بعضی کشورها بسیار مفصل است و قانون اساسی بعضی دیگر مختصر و دربرگیرنده اصول کلی. در تصویب قانون اساسی اول مشروطه، تمام ۵۱ اصل آن به مجلس شورای ملی و مجلس سنا اختصاص داده شده بود. در مورد چگونگی رد و بدل لایحه و ارتباطات این دو مجلس با یکدیگر، نحوه تشکیل شان، حدود اختیارات شان و شیوه فعالیتشان اصولی ذکی شده بود اما در مورد ساختار کلی حکومت، آزادی‌های بنیادی و حقوق ملت و یا نهادهای حل اختلاف و قوه مجریه و

نماید. در همین ماه، پهلوی اول برای دیدار و گفت‌وگو با ژنرال مصطفی کمال – آتاتورک– به ترکیه رفت. گروه بزرگی از مقامات کشوری و لشگری و نیز برخی روزنامه‌نگاران در این سفر یک ماهه، همراه شاه بودند. در این سال نیز نوسازی و گسترش طرح‌های عمرانی کشور با تلاش و پشتکار شگفت‌انگیزی ادامه یافت. بیمارستان رازی با گنجایش صدتختخواب بیمارستانی در تهران افتتاح شد.

مدیریت این بیمارستان را دکتر عباس لقمان ادهم –عدل‌الملک‌که از پزشکان پرآوازه ایرانی بود، برعهده داشت. همکاران دیگر وی نیز از پزشکان تحصیلکرده برگزیده شده بودند. ساختمان جدید اداره پست مرکزی هم در خیابان سپه گشایش یافت. این بنای سه طبقه مدرن، شش سال در دست ساخت بود و ۵ میلیون ریال هزینه برداشت. در تابستان این سال نیز آژانس خبرگزاری پارس که با آژانس‌های مشهور جهانی تبادل اخبار می‌کرد، مورد بهره‌برداری قرار گرفت. نام شهر

مصمام السلطنه بختیاری

به اقداماتی زد و اولیتامومی به ایران داد و ۴۸ ساعت برای آن زمان تعیین کرد. روس‌ها سه خواسته را مطرح کردند، اول «اخراج مورگان شوستر آمریکایی و همکاران وی از ایران»، دوم «استخدام اتباع خارجی در ایران از این پس می‌بایست با اجازه کشور روسیه و انگلستان باشد» و سوم «دولت ایران باید از عهده خسارات لشگر دولت روسیه به ایران بپردازد». اولیتاموم روسیه هیچانات زیادی در میان توده مردم ایجاد کرد و تحرك و خشم و انزجار مردم در سراسر کشور را فراگرفت. موافقت مجلس با خواسته روس‌ها با مخالفت نمایندگان روبرو ربه گردید. سخنان شیخ محمد خیابانی و سلیمان محسن با احساسات سایر نمایندگان روبرو شد و مجلس در نهایت خواسته روس‌ها را رد نمود. قوای روسیه که در تبریز و رشت اقامت داشتند وارد قزوین و سپس راهی تهران شدند. بسیاری از علمای طراز اول رهبری قیام علیه روس‌ها را برعهده گرفتند و برای نجات ایران تمام روحانیون را بسیج کردند. چنین فتاوایی موجب گردید که انوبه روحانیون و علمای نجف و کربلا راه ایران را در پیش گیرند. همزمان با مجادله میان دولت و مجلس قوای روس در چند شهر اقدامات جنون‌آمیزی را آغاز کردند. مجلس عالی متشکل از نمایندگان مجلس، وزرا، رجال و مقامات مملکتی تشکیل گردید و وثوق‌الدوله از روش مجلس در قبول دست آوردن آزادی تلاش می‌کردند، از این فرصت استفاده کردند و به عنوان ندانشتن امنیت به متحصنین پیوستند و در تلگرافی که به مرکز مخابره شد مطالبه قانون و آزادی کردند. «

هر روز که می‌گذشت بر تعداد متحصنین افزوده می‌شد. میرزاحسین بانکی پامی از جانب قونسولگری به متحصنین ابلاغ می‌کند مبنی بر اینکه اوضاع و درخواست های متحصنین به سفارت ابلاغ شده است و قرار است شاربز سفارت به رشت آمده و موضوع را تحقیق نماید. پس بهتر است متحصنین قونسولگری را تا وصول پاسخ و حضور شارژ دافر سفارت ترک نمایند. البته میرزاحسین بانکی طی تلگرافی به سفارت متحصنین را تعداد کمی از «اوباش و بی‌سروپاه‌ا» و

مشروطه

صد روز تا صدمین سال انقلاب مشروطه ■ شماره ۲۹

نوسازی با زور و پرشتاب



ترشیز هم به کاشمر تبدیل شد. تغییر نام برخی از شهرها، در دوران پهلوی اول اتفاق افتاد و آنچنان این تغییر نام‌ها ریشه گرفت که امروز کمتر ایرانی‌ای می‌تواند نام پیشین آن شهرها را به خاطر داشته باشد. دانشگاه فنی در آغاز مهرماه، گشایش یافت و شادروان دکتر حسابی –کقبل دانشگاه– که در واقع طراح و معمار اصلی این دانشکده بود، گزارش مفصلی به فروغی – رئیس‌الوزرا–، علی‌اصغر حکمت –وزیر معارف یا وزیر فرهنگ بعدی– و مقامات کشوری ارائه کرد. و نیز در همین ماه کنگره بین‌المللی فردوسی به مناسبت جشن هزارمین سال تولد این شاعر حماسه سرای ایرانی با حضور ۴۰ تن از مستشرقین و اندیشمندان پرآوازه جهانی برگزار شد. پروفسور کریستنسن از دانمارک و پروفیسور زادر از آلمان و پروفیسور هانری ماسه از فرانسه برخی از چهره‌های سرشناس کنگره بودند. در پایان کنگره نیز میهمانان با حضور شاه، در توس به آرامگاه تازه‌بنیاد

حکیم فردوسی رفتند و ادای احترام به آن شاعر ملی نمودند. به همین مناسبت، خیابان‌علاءالدوله – که

یکی از بهترین خیابان‌های تهران در آن دوران بود– خیابانان فردوسی نامگذاری شد. در آبان‌ماه نیز نمایشگاه دائمی کالا‌های تجارتی ایران به نام «نمایشگاه دائمی امتهه ایران» در تهران گشایش یافت. در بهمن‌ماه این سال، نخستین سنگ‌بنای دانشگاه تهران در زمینی به مساحت دویست هزار متر – در محل فعلی این دانشگاه – به دست رضاشاه در دل زمین جای گرفت. این زمین که اراضی جلالیه نامیده می‌شد، متعلق به حاج رحیم اتحادیه تبریزی بود که از قرار متری ۵ ریال و به مبلغ کل یکصد هزار تومان به دانشگاه فروخته شد. بیمارستان گوه‌رشاد نیز که بر حسب وصیت گوه‌رشاد خانم، توسط فرزندانش دکتر محمد و دکتر محمود حسابی خریداری و به صحیه کل مملکتی – وزارت بهداشت– واگذار شده و، دارای گنجایش ۵۰ تختخواب بود،

از سوی وزارت داخله – کشور – به طور رسمی گشایش یافت. مراسم افتتاح بیمارستان فیروزآبادی نیز با حضور دولتمردان و برخی سرشناسان کشوری و لشگری در ماه پایانی این سال، برگزار شد. دانشگاه تهران نیز در آغاز مهرماه، گشایش یافت و کلاس‌های درس آن آغاز به کار کردند. حاج سیدنصرالله تقوی به ریاست دانشکده معقول و منقول؛ علی‌اکبر دهخدا به ریاست دانشکده حقوق، دکتر محمدحسین لقمان ادهم به ریاست دانشکده پزشکی دکتر محمود حسابی به ریاست دانشکده فنی و دکتر عیسی صدیق به ریاست دانشکده ادبیات و علوم و دانشسرای عالی برگزیده شدند.

در روزهای پایانی این سال، تغییرات گسترده‌ای در کادر استاندانان و فرمانداران کل کشور پدید آمد و تقریباً همه مسئولان کادر وزارت داخله– کشور – تغییر یافتند.

در شماره دیروز زادگاه عارف قزوینی به‌اشتباه همدان ذکر شده بود.

مردم گیلان از مشروطه خواهی حمایت کردند

«رجاله‌های بی‌سروپا» معرفی می‌کند. متحصنین خروج از قونسولگری را نمی‌پذیرند. وقتی حضور متحصنین طولانی می‌شود مستر چرچیل به عنوان نماینده و شارژ دافر سفارت انگلیس به رشت آمده و با متحصنین دیدار و گفت‌وگو می‌کند و متوجه می‌شود تعداد متحصنین بسیار بیشتر از آن است که گزارش‌ها آمده است و از تمامی طبقات نیز در بین آنها حضور دارند و افراد با شخصیتی جمع متحصنین را تشکیل داده است.

ملک‌الحکما به نمایندگی از تجمع کنندگان با مستر چرچسیل گفت‌وگو می‌کنند و دلایل تجمع و درخواست‌هایشان را به اطلاع وی می‌رساند. سپس نماینده سفارت از متحصنین می‌خواهد قونسولخانه را ترک کنند و منتظر اقدامات سریعی که به‌طور قطع انجام خواهد گرفت باشند. متحصنین سماجت کرده و از قونسولگری خارج نمی‌شوند. بعدازظهر آن روز رحیم شیشه‌بر به نمایندگی از متحصنین با مستر چرچیل ملاقات و به صراحت چنین می‌گوید: «ملت خواهان مشروطه است، قانون، آزادی و عدالتخانه می‌خواهد. «

آزادیخواهان که از فرصت پیش آمده بهترین استفاده را کرده بودند قصد داشتند صدای خود را به حکومت مرکزی برسانند و در ضمن حمایت خود را از جنبش آزادیخواهی که در سراسر ایران به حرکت درآمده بود اعلام نمایند. مستر چرچیل نیز قول می‌دهد که از متحصنین به وجه شایسته‌ای حمایت کند و پیام آنها را به حکومت مرکزی برسانند. متحصنین که به هدف رسیده بودند با گرفتن قول رسمی از وی مبنی بر امنیتشان از قونسولگری خارج شدند و به دارالحکومه می‌روند و در کف یکی از اتاق‌های حکومتی نماز مغرب و عشا را خوانده و با شعارهای «زنده‌باد آزادی» و «نابود باد استبداد» متفرق و به خانه‌های خود بازمی‌گردند. رحیم شیشه‌بر در خاطرات خود این واقعه را اوایل خرداد ثبت کرده است اما ناطق‌الملی اسلام در تاریخ‌گذاری این واقعه را در رجب ۱۲۴۴ نقل می‌کند که با توجه به اینکه طبق اسناد وزارت خارجه انگلیس چرچیل در اول ماه ژوئن به رشت می‌رود، اوایل ژوئن مصادف با اواسط خردهامه است.

۷۴ متمم قانون اساسی گفته شده است که هیچ محکمه‌ای ممکن نیست متعقد گردد مگر به حکم قانون، مجتهدین هم در صورتی حق انعقاد محکمه را دارند که صلاحیت‌شان برای تشکیل چنین محکمه‌ای به وسیله قوه قضائیه تأیید شده باشد. همچنین براساس اصل ۷۱ وزارت داخله و دادگاه‌های عرفی مراجع رسمی مسئول رسیدگی به شکایات ایرانیان بودند.

قوه مجریه از وزرا و مامورین دولت تشکیل شده و به نام اعلیحضرت هلموینی قوانین و احکام را اجرا می‌کند. براساس اصل ۴۸ عزل و نصب وزرا به موجب فرمان پادشاه انجام می‌شود و وزرا در برابر مجلس سنا و مجلس شورای ملی مسئولند (اصل ۶۰) و مجلس شورای ملی و سنا می‌توانند وزرا را تحت مؤاخذه و محاکمه درآورند. (اصل ۶۵)

فصل قوای مملکت یکی از مهم‌ترین فصول متمم قانون اساسی مشروطه است و دربرگیرنده ایده مهم تفکیک قوا و استقلال آنها از یکدیگر است؛ به موجب اصل ۲۸ متمم قانون اساسی «قوای ثلاثه مزبور همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود».

سال سوم ■ شماره ۲۸۵

نگاه

دموکراسی و رابطه آن با ایدئولوژی در ایران

به جرات می‌توان گفت که اگر نه در تمامی چهار حرکت نهضت مشروطه، نهضت ملی نفت، انقلاب اسلامی و حماسه دوم خرداد که لااقل در سه مورد آن عاملی دخیل بوده که با طرافت در نهضت مشروطه و نهضت ملی دکتر مصدق خود را پنهان داشته و یا به عمد یا سهو پنهان مانده و تنها در انقلاب اسلامی در سال ۵۷ هرچه بیشتر خود را نشان داد. آن عامل چیزی نبود جز «ایدئولوژی» و سهم و تاثیر دین خصوصاً اسلام در این حرکت‌ها. تاریخ شهادت می‌دهد که قاتل ناصرالدین شاه قاجار یعنی میرزا رضای کرمانی از شاگردان و مریدان یکی از بزرگترین روشنفکران دینی سده اخیر یعنی سیدجمال‌الدین اسدآبادی بوده است که او را سلسله‌جنبان بیداری مسلمانان و پایه گذار روشنفکری دینی می‌دانند.

در سال‌های حیات مظفرالدین شاه هم عده‌ترین نیروهایی که در جهت استقرار دموکراسی و پارلمان (فارغ از مشروط و غیرمشروط) تلاش می‌کردند نیروهای مذهبی و عموماً روحانیون سرشناس نظیر سیدین بهبهانی و طباطبایی، شیخ فضل‌الله نوری و . . . بودند که نقش رهبری توده و تا حدودی روشنفکران را برعهده داشتند که بی‌شک همین نیروهای مذهبی تحت‌تاثیر نیروی شگرفی به‌نام اسلام بودند.

در جریان نهضت ملی نفت به رهبری دکتر محمد مصدق نیز ایدئولوژی نقش تعیین‌کننده‌ای را بازی کرد. تا زمانی که نیروهای ملی به رهبری دکتر مصدق با نیروهای مذهبی و آرمناخواه (بخوانید ایدئولوژیست) به رهبری آیت‌الله کاشانی همفکری و همراهی داشتند، کارها به خوبی هرچه تمام‌تر پیش می‌رفت. از سویی نخبگان و روشنفکران کشور تحت رهبری و فعالیت‌های شبانه‌روزی و بی‌دریغ دکتر مصدق در این راه قدم برمی‌داشتند و از سویی آیت‌الله کاشانی و همفکرانشان که عمدتاً پراخسته از حوزه بودند در اثر ارتباط تنگاتنگی که در آن زمان حوزه‌ها با توده مردم داشتند، توده را نیز در این راه هدایت می‌کردند.

اما متأسفانه پس از چندی توطئه کیثف استثمار و عواملش که منافع خود را در خطر می‌دیدند باعث شد میان این دو طیف فکری (سنتی- مدرن) فاصله بیفتد و نیروهای مذهبی پشتیبانی خود را از دولت ملی دریغ کردند (در مورد چرایی آن حرف و حدیث فراوان است) و با تنها ماندن نیروهای ملی که حالا پشتوانه درستی نداشتند استثمار وارد عمل شد.

سیاس

سختی با خوانندگان و نویسندگان

ناگفته پیداست آن همه تلاشی که ایرانیان یکصدسال پیش کردند تنها برای این نبود که مظفرالدین شاه فرمان مشروطیت را بر کافذی امضایند که جمعی قانون اساسی بنویسند و بر دیوار بیاویزند. خواست آنها تغییرات اساسی جامعه ایرانی در جهت بسط عدالت و آزادی و پیشرفت بود. آنها مشروطه را در این راستا می‌دیدند. پس از آن نیز چند بار دیگر این ملت به پاخواست و آن آرمان‌ها را پی گرفت. برایش خون داد، زندان کشید، شکنجه شد و . . .

اکنون این رنج‌ها به صدسالگی رسیده، اما تحقق آن آرمان‌ها دوره نوجوانی را هم سپری نکرده است. هنوز نتوانسته‌ایم ستون‌های دموکراسی را در این سرزمین بکاریم و برآن ستون‌ها سقفی بسازیم و در سایه‌اش مدی بیاباییم. نهاد احزاب هنوز پا نگرفته است، مطبوعات استقرار نیافته‌اند، بر سر انتخابات آزاد هنوز بحث داریم، بسیاری اصول قانون اساسی معطل مانده و . . .

یکصدمین سال مشروطه بهانه‌ای شد تا پس از عمری تجربه مضم بگشاییم و خردهمندان به خود بگیریم و با هم به گفت‌وگو بنشینیم؛ کاری که کمتر بدان عادت کرده‌ایم. همواره از شور و التهاب گرد آمدمیم اما برای خردورزی و عزلت و انزوا را برگزیدیم در حالی که نیاز به شور فردی و خرد جمعی داریم.

بست پریش را از میان صدها برگزیده و اعلام کردیم تا پیرامونش بیندیشیم. چه نشاط انگیز بود در این فضای رخت، برخورد فعال م هوطنان از گوشه و کنار این مرز و بوم! هر روز از دیاری نوشتار عزیزی می‌رسد و براین نشاط و امید می‌افزاید. بسپیکری‌ها، تذکرات، انتقادات و پیشنهادهای خوانندگان نیز همه نشان از سرزندگی و پویایی این ملت دارد. خوانندگان‌کی که با دقت مسائل را پی می‌گیرند، خطاهای ما را با هوشیاری می‌یابند و دلسوزانه تذکر می‌دهند، از تحقیقات و خاطرات تاریخی خود ما را بهره‌ور می‌کنند، اکنون ضمن سپاس از این عزیزان که مطالبشان تاکنون به دست ما رسیده و چه خوب که آخرین نباشد، امید داریم فرصت انتشار همه آنها به دست آید. هموطنان! مرتضی اشراقی – نوژن اعضدا السلطنه –

علی‌اصغر احسانی – سهیل ایزدی – رضا آزادبخت – حمید آزاد- ایرانی – مسلمان – وطن‌پرست- فاطمه آقاچیان‌پور- امان امانی- هاشم باروتی- ماجد باقری- علیرضا باقری‌ده‌آبادی- پرویزبختیارالدین- محمد پورزادی – سیدمحمدباقر تقی‌زاده – داریوش نهامی – مهرزاد جوادی‌موجکسرای – محمد حاصر – پروین حسن‌خانی- محسن حیدریان –محمدحسین حیدری- سیدمحمد سعید حسینی نژاد -محمدحسین خورشیدی- فرهاد خجسته- حمید خیراندیش – مجید دولابی – بهنام دوستدار – مسعود دوزداد- محمد‌راد- عباس رازقی- علی‌رضا رحمتی- اسماعیل روحانی – ابوالقاسم شیرازشوی- ع- شریفی- محمدحسین تهرینی- مهدی شریفیان- هرمز شریفیان – محمد صفی‌زاده – مجتبی صیدی – حسن عابدینی – علی غریب‌دوست – علی غلامرضایی – ماورا فراهانی – عباس قدیمی‌قبادی- علی قدرتی – رضا کاظمی – علی‌اصغر کیا – رضا گنجی‌ای – دین‌الله محمدی نسب – محمدحسین محمدی – غلامرضا مراقی – فریبرز مسعودی- کمال‌الدین معارفی – سروش ملت‌پرست – ابوالفتح مومن – سیدروح‌الله موسوی – حسین میرزایی – اسدالله معطفی- علی محمد نمازی- حسن فنز – جزیره‌کیش – محسن ویلان‌پور – بهمن‌ویسی- سیدمجتبی هاشمی- صفر یوسفی